

پروژه راه‌نمایی است اگر بگویم عشق‌ورزی تاریخی به بلندای حیات بشری دارد و البته به همان اندازه بحث برانگیز نیز بوده است. گرچه بعضی کماکان بر این باورند که عشق به ساحت عاطفه، احساس و هجان تعلق دارد و بدن روی بهره عقل در شناخت آن چیزی جز سرگردانی نیست، اما بعضی دیگر درصدد واکاوی و چیدمان‌های آن برآمده‌اند و سعی در تبیین آن دارند. عشق‌پژوهی در میان فلاسفه مسلمان در آثار هم چون «الزهره» ابوبکر بن محمد داوود (متوفی به سال 297 ه.ق.) و «در رساله‌های در ماه مت عشق» اخوان الصفا و «در رساله‌های عشق» ابوعلی سینا مسبق به سابقه است. اما چنانکه مستحضرید، تفاوت عمده‌های پژوهش‌های اخیر را با پژوهش‌های پیشین متمایز می‌کند فاصله گرفتن از حالت شاعرانگی و عقلگرایی بودن این دست تحقيقات است. عشق‌پژوهان مدرن به لگوشند از رهگذر اخلاق، روانشناسی، حقوق، دین و هر ابزاری که می‌تواند به پیشبرد این تحقيقات کمک کند، تا نتایج معقول و ملموسی را در اختیار علاقمندان قرار دهند.

چنانچه علاقمند به این حوزه باشد و به مقالات این حوزه نیز نگاهی انداخته باشد، با من هم‌رای خواهد شد که تمرکز عشق‌پژوهان مدرن در وهله اول بر موضوعاتی از این دست است: تعریف عشق و متمایز کردن آن از بعضی عواطف و احساسات مشابه که معمولاً در این عنوان عشق در نظر گرفته می‌شوند، شناخت حالات عاشقانه و تمایز انواع عشق از یکدیگر و هم‌نظور شناخت ریشه‌های پدیده‌های عشق و دلالت استمرار آن. به عبارت دقیق‌تر چنانکه پیشتر صاحب‌نظران این حوزه نیز اشاره کرده‌اند تحقيقات مدرن تمرکز خود را بر موضوع «مستدلسازی» و «توجه به عشق» قرار داده‌اند. در وهله دوم اما ارتباط عشق با موضوعات دیگری نظیر اخلاق، حقوق، دین و... خودی نشان می‌دهد که پژوهشگران کما بیش به این موضوعات نیز پرداخته‌اند. در همین راستا دست‌اندرکاران پرونده پیش‌رو نیز کوشش‌های خود را در این حوصله کم و مجال کوتاه به قدر بضاعت خود نتایج چند پژوهش در این حوزه را به اطلاع علاقمندان برسانند. بخش اول مجموعه‌های که در پیش‌رو دارم حاصل گفتگو با جناب آقای دکتر شریزاد پیکر حریفه است که نام ایشان را به واسطه تالیف و ترجمه در حوزه فلسفه اخلاق می‌شناسم و با آراشان آشنا می‌دارم. در این گفتگو، که حاصل چندین نام‌نگاری الکترونیکی است، کوشش‌های شده است تا این مبحث، ذیل عنوان چهار بخش کلی گنجانده شود که از این دست‌اند: ارتباط بین عشق و اخلاق، ارتباط بین عشق و وظیفه، ارتباط بین عشق و حقوق و هم‌نظور جایگاه عشق‌ورزی در بعضی از مکاتب اخلاقی. در اینجا بر خود فرض می‌دانم که مراتب سپاسگزاری خود را از دانش‌آموز وارسته استاد مصطفی ملک‌ان بیان کنم چرا که چارچوب کلی بحث و ایده‌ها را کار واملدار در سگفتارهای روانشناسی اخلاق و مقالات ایشان در این حوزه هستیم. همچنین از جناب آقای دکتر پیکر حریفه ممنونم که با سعه‌صدر و متانت هم‌شگای که از ایشان سراغ دارم به سوالات من یک‌به‌یک پاسخ گفتند.

بخش دوم این مجموعه ترجمه‌های است از مدخل «عشق» دانشنامه فلسفی استنفورد که به قلم «بنت هلم» نگارش یافته است. هلم، در ابتدا به لگوشد تا تعریف دقیقی از عشق و حدود و ثغور آن به دست دهد، سپس به بیان تمایز انواع روابط عاشقانه پرداخت و در ادامه توجه خود را معطوف به ریشه‌های عشق‌ورزی در انسانها و دیدگاه‌های ناظر به آن می‌نماید. آنچه مقاله هلم را جذاب و جالب توجه می‌کند اشراف وی به موضوع، توجه هم‌زمان به رویکرد تاریخی و رویکردهای جدید، نقد دیدگاه‌های مورد بحث و متوقف نشدن در دوره و امکتبی خاص است. این مقاله که به همت زهره همت به فارسی برگردانده شده است دورنمای کلی در باب این موضوع را در اختیار علاقمندان قرار می‌دهد.

سومین بخش این دفتر تالیفی است از سرکار خانم ندا مسلمی که «اهمیت عشق در اندیشه هری گوردون فرانکفورت» نام دارد، این مقاله با مینا قرار دادن کتاب «دلالت عشق» فرانکفورت با خواننده در باب یکی از اساسی‌ترین معانی‌های زندگی اصل، یعنی عشق‌ورزی سخن می‌گوید و سعی در تبیین جایگاه عشق در زندگی آدمیان، ارتباط آن با اهداف، و افزایش بعضی از مولفه‌های روانی مانند رضامت و امید به زندگی از رهگذر این تجربه دارد.

بخش چهارم این مجموعه که «تبیین عشق و اخلاق در رابطه انسانی در فلسفه شلر» عنوان گرفته به قلم جناب آقای حسام جلالی تالیف شده است. نویسنده این مقاله با مینا قرار دادن آراء ماکس شلر ابتدا سعی در ایجاد تمایز میان ساحت‌های احساسی انسان به منظور درک طرف مقابل دارد و سپس به لگوشد به تبیین جایگاه عشق درون این ساحتها پرداخت. گرچه در ادامه شلر، عشق را نه فقط نوعی احساس، بلکه فراتر از آن نوعی ارزش تلقی می‌کند که ماهیت آن به سه‌وجه عقلانی قابل توضیح نیست اما دلالت منطقی و عقلانی خود او برای غرقلانی بودن چندین تجربه‌های جذاب و جالب توجه‌اند. پنجمین بخش از این مجلد ترجمه‌های است از جناب آقای ام‌رحمن مرادخانی با عنوان «عشق صادقانه به خود و از

خودگذشتگی صادقانه». مقاله مذکور که به قلم جان لپیت به رشته تحریر درآمده است محوریت کار خود را بر تبیین و تماشای دو ساحت مهم در حوزه اخلاق قرار داده است، یعنی بررسی جایگاه عشق به خود و در نظر گرفتن تماز آن با مفاهیم مشابهی نظیر تمرکز بر خود، خودمحوری، غرور و همچنین موارد دیگری که نزد مردم معمولاً از معانی کسانی برخوردارند و همچنین عشق به دیگری به همراه بزرگترین شاخصه آن یعنی از خودگذشتگی و بررسی تماز آن از مفاهیم مشابهی همچون تخریب نفس، فحاشی نفس و... وی در ادامه به موضوع اخلاقی بودن اخلاقی نبودن عشق به خود و عشق به دیگری مپردازد و خلاف آنچه انتظار می‌رود به نتایج نامعمولی دست می‌آید که مقاله او را خواندنی می‌کند. ششمین و آخرین بخش از مجموعه اول اخلاق عشق‌ورزی که به قلم فرهنگتار خسته ارجمند جناب آقای علیرضا رضایت به فارسی برگردانده شده، مقالهای است که «زخم عشق» عنوان گرفته است. مولف مقاله، اولاً ملوزم کوشد تا علل نهادی درد ورنج را در عشق شناسایی کند و به عبارت دقیقتر سعی در واکاوی نقش فرهنگ و جامعه در ناکامیهای عاشقانه دارد. وی در قالب این مقاله ابتدا تعریفی از مدرنیته به دست می‌دهد و در ادامه به نقش مدرنیته و تأثیر آن بر عشق‌ورزی و تفاوت تجربه عشقی در دوران مدرن و پشامدرن مپردازد. این مقاله همچنین از عناوین فرعیتری همچون دخالت فرهنگ و اجتماع بر سوگندهای عاشقانه، الگوهای رفتاری که در یک رابطه عاشقانه توسط جامعه به ما القا می‌شوند و موضوعات جذاب و جالب توجهی از این دست با خواننده سخن می‌گویند.

در پایان از همه کسانی که در شکلگیری مجموعه پیش رو دست داشتند و طولانی شدن فرآیند چاپ را صبورانه تحمل کردند، و همچنین از همت تحریریه مجله کمال تشکر را دارم و امیدوارم که دفتر پیش رو بر مذاق صاحبانظران و فرهنگتاران خوش افتد و در نظر آید.

زهره همت